



عادل تبریزی در گفت و گوبا «ایران» از «گیجگاه» گفته است

حالی که دیگر نیست

حامد قرب
خبرنگار

عادل تبریزی یکی از کارگردانان حاضر در سی و نهمین جشنواره فیلم فجر است که پیش از این چند فیلم کوتاه ساخته و در سمت دستیار کارگردان سینما فعالیت کرده است. «گیجگاه» اولین فیلم بلند تبریزی است که در آن بازیگران مطرحی همچون جمشید هاشم پور، حامد بهداد، باران کوثری به ایفای نقش پرداختند. به گفته تبریزی این فیلم فضای نوستالژیک دارد و داستانش در ۲۰ سال قبل می گذرد اما موضوعش همچنان موضوع روز است. درباره «گیجگاه» و شرایط تولید آن با عادل تبریزی به گفت و گو پرداختیم.

وقتی ایده فیلمنامه «گیجگاه» در سرم بود و با ارسالن امیری مشغول نگارش آن بودیم، تمرکز بر این بود که اولاً قصه در فیلم روایت شود و ما بتوانیم یک فیلم قصه گو داشته باشیم. همچنین می خواستیم نتیجه به صورتی باشد که یک خانواده براحتی بتواند این فیلم را ببیند و قصه روی آنها تأثیر بگذارد. درباره بحث سینمای اجتماعی نیز باید بگویم اگر نگاه اجتماعی به جامعه امروز را در فیلم بیان کردم، یک کمبودی همیشه در جامعه و سیستم آموزشی برایم مطرح بود و می گفتم که در سال های پیش این مسأله وضعیت بهتری داشته است. به همین خاطر حس کردم قصه این فیلم مبنای خوبی است که می توان از طریق آن به رویکرد اجتماعی که امروز برایم مطرح است نیز از همان دریچه سینما نگاه کرد. سینما در فیلم ما خیلی مهم است. هنوز مخاطب هایی هستند که با شور و حال سینمای ایران در دهه ۷۰ خاطره دارند. گیجگاه سعی کرده از دل آن فیلم ها قصه خود را روایت کند.

■ **شما پیش از این فیلمساز فیلم های کوتاه بودید و اکنون به گفته خودتان پس از ۵ سال دنبال سرمایه گشتن بالاخره اولین فیلم بلند خود را ساختید. ورود از سینمای کوتاه به سینمای بلند با چه چالش هایی همراه است؟ آیا صرف داشتن استعداد در زمینه فیلمسازی می تواند افراد را به سینمای بدنه وارد کند یا مسائل دیگری مطرح است؟**

علاوه بر ساخت آثار کوتاه، به عنوان دستیار کارگردان در سینما فعالیت های زیادی انجام داده ام. از سال ۸۳ با فیلم حکم آقای

■ **باتوجه به توضیحاتی که پیش از این درباره داستان فیلم داده اید، آیا فکر می کنید برای حل مشکلات و چالش های امروز باید به عقب برگشت و برای تفهیم این موضوع داستان خود را در گذشته تصویر می کنید؟**

در فیلم مسأله ای است که خیلی به حال جامعه بخصوص بحث آموزشی مربوط بوده که اگر درباره آن توضیح بدهم داستان فیلم لومی رود. در این باره یک مثال می زنم. همیشه نگاه کردن به آلبوم عکس های گذشته فقط ما را به گذشته نمی برد. شاید نگاه کردن به آن آلبوم برای ما تلنگری باشد که حالی بهتر را به وجود آورد؛ البته برای اینکه چیزی را نسبت به حال خودمان پیدا کنیم و فقط مرور خاطرات مطرح نیست. نگاه کردن به جامعه امروز از طریق «گیجگاه» برایم همان شعاری است که برای فیلم انتخاب کردیم: «گیجگاه» فقط نوستالژیک نیست، حالی است که دیگر نیست. فیلم که دیده شود بهتر می توان در این باره صحبت کرد.

■ **آیا حالی که می گوید دیگر نیست را باید در نوستالژی ها پیدا کنیم؟** نخواستیم فقط فیلمی بسازم که تنها در گذشته روایت شود. وقتی می گوئیم حالی است که دیگر نیست این می تواند یک تلنگر در زمان حال باشد. شاید سادگی روابط در گذشته بیشتر بوده و زندگی ها راحت تر بوده است. در این فیلم برایم تلنگر به حال امروزمان خیلی مهم بود.

■ **قبل از شمانیز فیلم های بسیاری داشتیم که نوستالژیک بودند. اساساً نگاه شما به نوستالژی چه تفاوتی با فیلم های پیش از این دارد؟**

در فیلم های کوتاهی که پیش از این ساختم، این شانس را داشتم که سلیقه خودم را پیدا کنم و فهمیدم که علاقه مند به ساخت چه فیلم هایی هستم. مرز بین درام و طنز سلیقه ای است که سعی کردم در گیجگاه نیز به سمت آن بروم. این موضوع در آثار کوتاهم نیز برایم خیلی مهم بود. «گیجگاه» نیز همان شکلی است که در فیلم های کوتاه دنبال می کردم. در خصوص نوستالژی باید بگویم، این اثر عنصر مهمی دارد و آن نگاه کردن به قصه از دریچه سینمای آن دوران (دهه ۷۰) است. البته فقط نگاه کردن به سینمای آن دوران موضوع فیلم نیست. سینما برایم پنجره ای بوده که از طریق آن قصه ای را روایت کنم. یعنی تأکید تنها روی نوستالژی نبوده است. کاراکتری که حامد بهداد در فیلم بازی می کند، کاراکتر خیلی مهمی است که از طریق آن می توانیم به مبنای روان شناختی و جامعه شناختی فیلم دست پیدا کنیم.

■ **در مصاحبه ای گفته اید که در «گیجگاه» یک نگاه اجتماعی معاصر به وضعیت امروز جامعه داشتید. باتوجه به اینکه در سال های اخیر فیلم های اجتماعی تا حدود زیادی به یکدیگر شبیه شده اند، برای جدا شدن از آن مدل فیلم ها چه ویژگی های تازه ای در این اثر وجود دارد؟**

کیمیایی وارد سینمای ایران شدم و در آن فیلم در گروه کارگردانی بودم. آخرین فیلمی که در آن دستیار کارگردان بودم نیز فیلم «لانتوری» رضا درمیشیان بود. در این مسیر که دستیاری کردم و فیلم کوتاه ساختم، هیچوقت به این فکر نمی کردم که فیلم کوتاه می سازم برای اینکه زمینه ای برای ساخت فیلم بلند بشود. در آن سال ها به هیچ وجه برایم مرز سینمای کوتاه و بلند مهم نبوده است، برایم شور حال سینما و فیلمسازی مهم بوده است. یعنی همان قدر که سر فیلم کوتاهم انرژی می گذارم و خوشحالم که در حال ساخت فیلم هستم، به همان اندازه سر گیجگاه خوشحال بودم. این هیجان و عطش فیلمسازی سبب شده تا فقط به این توجه کنم که این قصه به درد فیلم کوتاه یا بلند می خورد. هیچوقت به این فکر نمی کردم فیلم کوتاه بسازم، چون در آینده می خواهم فیلم بلند بسازم. درباره بحث جذب سرمایه هم اگر یک نوجوان و بچه ای که سن کمی دارد و عاشق سینماست را بخواهم نصیحت کنیم که برای ورود به سینما چه کار کند به او می گوئیم برو انجمن سینمایی جوانان، کتاب بخون، فیلم ببین، برو دانشگاه، فیلم کوتاه بساز و در نهایت یک مسیر برای او مشخص می کنیم. وقتی آن بچه این کارها را انجام می دهد، به این امید است که مسیر برایش هموار شود. ولی متأسفانه اکنون به این صورت نیست. اگر شما بروید و تمام تلاش خود را هم انجام دهید، در بحث تولید فیلم و سرمایه گذاری در سینما با دنیای غربی مواجه می شوید. هیچوقت در زندگی بلد این کار نبوده ام که بدانم چطور برای یک فیلم پول پیدا کنم. بچه هایی که تمام زندگی خود را در سینما گذاشته اند دوست دارند خود سینما به آنها کمک کند ولی اکنون بسیاری از دوستانم هستند که سرمایه گذار پیدا نکرده و به همین دلیل نتوانستند فیلمشان را بسازند. آنها نوجوانی و جوانی و زندگی خود را به سینما دادند، عمرشان را گذاشتند تا فیلمساز شوند و تمام مراحل را با تلاش خود طی کرده اند. پس باید مسیر برایشان هموار شود.

■ **دلیل اینکه این دوستان با وجود داشتن استعداد و فعالیت های**

سینمایی نتوانستند به عرصه فیلمسازی وارد شوند چیست؟

این موضوع نیازمند یک کارشناسی و بحث است. ای کاش می شد آدم هایی مثل من و چند نفر دیگر جمع می شدیم و درباره این مسأله حرف می زدیم. به این موضوع باید از بالا نگاه شود. باید پرسید چگونه آدمی که در حال رفتن مسیر درست در این حرفه است، نمی تواند وارد شود؟ چگونه باید به این افراد کمک کرد تا مسیر برایشان هموار تر شود؟ یک فرد باید باشد و آن ۵ سالی که من به دنبال جذب سرمایه برای تولید فیلم بودم را از بالا نگاه و ارزیابی کند. البته من تنها نیستم و خیلی افراد دیگر در سینما هستند که با چنین مشکلی مواجه بوده و هستند. این موضوع می تواند یک پرونده اساسی برای مجلات یا برنامه هفت باشد. این موضوع مسأله ای جدی است که باید به آن توجه کرد. چرا که سرخوردگی به وجود می آورد.



نگاه کردن به جامعه امروز از طریق «گیجگاه» برایم همان شعاری است که برای فیلم انتخاب کردیم: «گیجگاه» فقط نوستالژیک نیست، حالی است که دیگر نیست.